

# فامه سرگشاده

## به کادرها، اعضاء و هواداران اقلایی سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

۱۵۰ به ممتازه ایامگلوبولین شرک نماید و رسپتوسون بوده سوروزواری و امواجدهاره داشت. در سنتان روزی مدحتش که از بخششی سه هیمازادی سویش سه ماهه ایجاد شد، حلقه خضراء روید بود. روزهای داشتی که بکار گرفتاری و اداره ایجاد املاک مرسوپسازیا سیاستهای بدبودن را به وسیله ایجاد حصر برخیسته موقوفیات شکنندگان شناسی شدند. سه هیمازاده سویش سه ماهه با این ادعا های غیر معمولی موروز را می ساختند که گذشت. پس از مدتی این ادعا های غیر معمولی موروز را می ساختند که گذشت. پس از مدتی این ادعا های غیر معمولی موروز را می ساختند که گذشت. پس از مدتی این ادعا های غیر معمولی موروز را می ساختند که گذشت. پس از مدتی این ادعا های غیر معمولی موروز را می ساختند که گذشت.

رده‌های ایران و نواحی سپاه‌نشینه شنکن در سیزده هزار کیلومتری از جنوب ایران و بجزیه‌های آن از خلیج فارس و دریای عمان می‌گذرد. این سرزمین محدود است از شمال به کوه‌های زاگرس و از جنوب به کوه‌های هندوکش و از غرب به کوه‌های اورامان و از شرق به کوه‌های بام و کوه‌های ایلان. این سرزمین را از نظر اقتصادی به دو بخش تقسیم می‌کنند: یکی از آنها که در جنوب ایران و نواحی سپاه‌نشینه قرار دارد و دیگری که در شمال ایران و نواحی سپاه‌نشینه قرار دارد. این دو بخش از نظر اقتصادی و سیاسی بسیار متفاوتند. بخش شمالی از این سرزمین از نظر اقتصادی بسیار پیشرفته‌تر است و بخش جنوبی از این سرزمین اقتصادی بسیار پیش‌آمد ندارد. این دو بخش از نظر اقتصادی بسیار متفاوتند. بخش شمالی از این سرزمین از نظر اقتصادی بسیار پیشرفته‌تر است و بخش جنوبی از این سرزمین اقتصادی بسیار پیش‌آمد ندارد.

اما شما چگونه می توانید از عهده مسئولیت خطری امروز خود را آشنا کنید؟

به اعتماد مأثُرَه اول وتعتَمِسْ گشته آنست که هنارزمه بیور-توئیسم میثک سازمان خود را ساخت و توان طبیعت از محدوده "از زمان" سیرون گشته و علما در سلطنه چند کوهیمنی سرچ کردند. این اولین و معمتمترین قدم در راه طرد بیور-توئیسم از سازمان را نمایندگان اسیده، هارا-ستون نکردم گشته-هایله ما رکیم با بیور-توئیسم که ام "خانگی" و "دور" اسما را من نمی‌دانم، بیور-توئیسم گنوی مسلط بیور-مندگان امری نمی‌پسند که می‌داند در محدوده "جهان پویاری اندیشه" نشکنیات رورمندگان و برپیان موارز و فوایط معمولی کردند از سوابات و معاشران درون سازمان حمل و نقل شود. هرچنانچه درجهت حضور کردند ام می‌دانم در جنگ و جوگ-شکنیاتی روندگان امود سلسلی ایستاری همانکجا داشتن ما رکیم اسلامی در درون زر-مندگان از سفر موقی آن در طبله کل جهش کوهیمنی ایستاری. آیا آن که اموزر شی بیور-توئیسمی برادر رون و سازمان رزمدگان اطمینان نمی‌داشته باشد و می‌خواهد طبق میانی، سرو-پرسیم و بیور- موسمیم از رشته‌شن شاکی بودی تکیه نزدیده‌ام؟ آیا اینسان اموزر در ازدواج از "قدایی اشتباه" و در تحفیل شهادتی جدا از سفر معموس هرمان نوشیم سرو-پرسیم در سلطنه حاده، می‌باشد رکیم اسلامی بیوسیم اورده‌ام؟ اگرنه، ما رکیم اسلامی

درویشی ام و سلطنت در هفین میلیون حستو خواهد کرد. روبرو خواه  
ت محدود همان سازه را مارکسیم آبیور-تومیس دریزمندانست.  
نه درون و زریدمانان، همچنان جایز برتر نهادن شنکلیانی نیست.  
ابور-تومیسی که راهه دستیت و خانه ای ابور-تومیسی جای  
سی است. بارو زای ابور-تومیسیمی باشد و در کار آن مالحست.  
با این توجه تسلیمانی را برای چون دست نگرفت می برد. «نه مد  
سکلیانی»، آنهاکه معاشری خیز دوسته کردند مارکسیمیم  
اصلانی «دروی و سرخون ساربان» بارو زای، مطلعه ای داده ای  
کیستی ام، و توانایی خوده سورشارش این فرمات را می خوردند.  
داده ای ای ای ای خوده سورشارش این فرمات را می خوردند.  
راکنار افکشم و محنوای واقعی آن، سعدی سکناریسم را مقدمه  
دن-منظمه که هزاران ابور-تومیسی می بدم هنچ انتکا به آن  
است، ای ای و طرد کشم.

سوزدهم سوزواری نهاد و گردش اندیشه و سعادتمند کشانی هم  
و با پیکربندی درس از راه هرچه کشیده شد، سریع شروع طلاقه شد و سپس  
جزیره ایان مسلط، سلطنت شنگلایان بحیره بین راه از گذشتاده. و پسنه  
به این واقعیت اساسکه ما شهزادن خواستار داشتار جمهوری ایالی  
نمودند منی و ای ایوزده «مشطوط و زعنده کان فرازتر روم و سپس  
وظایف تعلیم ای تک شه ها و لایخان سما و فاعلی و رئاسته در عصای  
آن، سویه دار داریم سپهاد رایم».

اور سوچیم در بیرونی های باشیم و مدد داشتند به محض کنون  
دستی خواه ایران و دستی وردی های محدود آن در مشترکی و تا نسبت  
و نشکنندگی، آنها را می خواهند عین این عمل کرده است که کوئی کفری  
است که کله گویندند از شان راهی نمودند. احکام روز بیرونی  
می خواهند، اینهاست که خود را سوزد و اسکان کنند. ای ای ای  
روز بیرونی آنهاست سا ای  
که وندسین طرح و نسلیم می شود که یوشی حاشیه بروشنا و ای  
را کشیده سبب است. این نکوت سرمه و ای، این سی شنا و شفاه نام  
ار علنه که ای  
و ساده نمودی - که ای  
اسلاط سوسیا لیستی چیز سر عیندی این سیل از گفتگوهای  
ایران پنهان است، نشان می گیرید و این آن سوچیم مردم ای و  
اید شولوچک، فیکر ساده که درهم نکنند شود ای بپرتوونه نمی  
دیگر نمی خواهند و نیزه که می شاؤن و می کفر می ساده، دیگر  
نمی خواهند و نیزه که می شاؤن و می خواهند ای - می خواهند  
ار منتهی حکم نهیست می سریعه می کنند که شری ای ای رواشی ای  
در زمین پوچنند و می ایقانی، می سریعه ای ای شوی و تا نکنند  
سرخ زرخ ای کند و هر آنچه می خواهد سرخون کند و خود را بپرتوونه  
دهد. ایکر دین و سلوکیتی تنهایی ای به بیان این دلایل که  
ما مردم می دانند، ایکر دین ای راهی برای شان را کرده، ماضی را  
که در بیان ملدان و رهروان ای روزی را شان ندارند و سلطان کنند

اگر یک لحظه سپاهندیمید، اندیلای سایه این  
هزروز روح نمی‌دهد، اگر بی‌نمی‌دمید که ناسو نمایه سایه ترمودینامیک  
نمی‌دهد، اگر بی‌نمی‌شید که پیروتای روابط ایران در همان مسیر  
طلوب نارسیغ می‌باشد و مود استینجمند سایه‌هازب مشتاقی طوبی  
نمی‌ذندگ می‌نموده است و اگر سایه‌نمی‌شید که حقیقتی که برترین اشاری  
رسپویه دارد اول اش فخر خاطر برخیزیده داشت اینکه رسپوشاده هست  
پروراندن روابط ایران-گمکانیک می‌شوند، اشکان در خود راه به پا  
که مانند هشتگ‌کومنیستی مذا شلوشیم با چه سرمه‌ی و درجه  
مدت کوتا نی می‌پیده ملی شود، درخواهید ساخته که سعما و ازره  
را قیچی کوچکشترین دست و ردا و سترکاره بپرتوشند که ماند، در  
خواهید بیان کرد که گلکتریشن دسته شات سایپوشیم چه مقصده  
نیمیزی علیم نمای روحی ای در مناسله پیروزی از هنر ماد است، به هنریه  
سایه‌ها درخواهید بیان کرد که حرفیت داشتاده شما، به هنریه  
اسانتهای شی معین در بین مغلق معین نارسیغ جیشت‌کومنیستی مانند  
جه حد میتواند سیم و دنیمه کنندگ شاند، خواره نام را گمکنیم  
انقلابی در کشورها، مه متابه بکلیتی، می‌شک متولیم  
روزمندگان کن برویده دار، اما درین میان و قلنگ شما زدایش  
که نایه امروزکوشیده‌اید نایادر و نشکنیات روزمندان سیوا  
سوسایلیم بزمی‌گشگد، سوسایل خانم نتوارت، زیرا ولا ابر  
نشکنیات شما اسکه امروز سمتیمها مورد خودم فراموشیه‌است  
و نایه، هر چیز راهی ای ای پیروتیم رزم‌میکان که ای زیرا  
این می‌زمان ای صورت پیشیده، می‌اشک سوانح برویکت شما بیوپسی  
کان راه مارکیسم انقلابی دردیروین این سازمان هنک گردید  
اکنچ بیوپسی شهروندی خطا، به هنریه سروی بخول مخفی  
درین مازمان و نشکنیان ستمبل و نشیریغ ساده، ساکبیر ازمه  
جه زینه ای ای دنگاکلات سیوا، به چاهدیه

که دولان ایش هنرمند کوسمیتی مارا ایست و پنجه خوب ساخته  
ایست و آر شنسته حتی بک دستاورده، بک سنت و بک درگ سبیسا دی  
شدورگ و تا کمیکی معمور شوده است، مستدم و معدم شدن ما نیزه  
با داشتن ریس سالنه، چیزی خوب نشانه های جزءی سوره را نمی

و دستاً ! سه میاره رفاقت و علیقی سامان علیه ایورتوون  
سیم ها کم رسم و از همان درستکار میگذاشت این شنکلات را در  
طبقه بیره اسما و فراز دهد. هرچند خلل در روش روشن آنکار  
ما ایوردوشیم، فروش سه میاره را آن هراس از کفر و رعنی  
خواست. اینسته و پیکنیکی شنکلات، شفیعی بر خوش دادند  
به عربان! ایوردوشیم میاند بایر میزوی گردید ما را کمیسیم  
اسفلاتی در درود روزشکار، کمکتے کوئن خوب آن. تخلیل  
مردن آن و میست! چه هربروی راهین آن از سازمان مه صورت امداد  
و احاجاً مردمه نهاده "آواره" ویا "لطفت منعی" ویا "سرمه خود" میگفتند.  
داست، جال ایکن دسترسی غسل و اشنا، آنکار و علیقی شماره ایوردوشیم  
سیاچی طوفان و از سازمان شلوغی سر و مختتم شد. اگر  
موبیل سرویس که مازهان و زیستکار میباشد بایر برپا و سازمان ایستاد  
پس خدک گردید، ایکان الزم استکه به برولتارها و خوش و اندی  
کنکویشیں آنکار، اندیز کند که شنا و مسکل رفود و از همان  
درستکار ایوردوشیم حاکم بایر و خود داروسا میه سوت شود.

کان ماید به سرعت و قاطعیت موقوت بذیره، جراحته بینان درجه  
که رشد آفت ابوروتوسیم دروا زمان روزه میگان، به شماره اسر  
منزهه ساری تغییر حیات میبخشد، بینان درجه سرعت نباشد،  
و سباست ماس د کام "آ" درست نشای، از طرف پولولان سراسرا  
قاطعیتی موقوت ممکن خواهد شد، فرشته بخی که مدل انتلاق سروزه  
امربیان لمسنی میروود شامقوف خود افترده ساره، درین اتفاق که  
در شب بیک هنیش نضمم م.ل، منکری، روشی تاکنکنی تدبیری و  
ساست واده سلسیاتی کوبیستی، خزان اعتمادی و سایری  
مقدار شناخته های خود را که درونی باشند میگذراند و میگذرانند از  
الدوام شنوی، سوی مده که خود دوام قابل دیدرس شناسه اند و میگذرانند  
موقوت این مسمی بروزتری، با محابه که رسانده اند اندکمه و دود  
ند، درشب ایلکه اولانع عینی حاممه زینمه و ایرای هیرماز  
ترنیز، آورش های انتلاقی بروانترای رباری، فراهم مه است، و  
ما اگرنه در شب که دور زنی باشیم و میگذرانند با سامم بموزوی  
نمیشن از پیش و به سرعت در پیش ازیزی بندوق بروانترای انتلاقی  
کسرمهده، هیچگیک نه روپاره ایار، به شارع و بد سوسیا  
لیسم فرمت آنرا ساده روسویه هدکه "سخراخ و رسکدان" با ادبار  
تمحصیز و زمکنان از طریق دیبلوماسی دروی، بنا تدبیری  
کری خا، وینی شهدی و جان بندونه ها مل و خصل دنیا، بزیگه که سه  
فعی ایوروسیم جذین نوی ساده مانکه هریز و مزد اولین  
با درین ایوروسیم جذین نوی ساده مانکه هریز و رسکدان را از  
جکال روزیسوسیم و ایوروسیم سرورن گشته، را این نسبتمند  
را مکوبه و هارگز فرسدیلها هدیه باعث که شعیمنی نسبتمند

وقدّسنا! ما اپورتومیم همانه و مانع لغت کنید! اجمعه  
تدفیق که اپورتومیم مسلط مرزا زمان پیان ندم به نامه از  
لطفه و شهوت شاهزاده طبیخی بر معاون امور دست گشود و دوسره  
به نامن پیپ، در آینه، در این موقوت این سما  
شده اید، بلکه به عکس، این اپورتومیم است که سا نوشل رسید  
نه سرعت کام به کام خواه اندوزد تخلص مرده ریخته و نیز کشیده  
است. باید بنا و باره که اکبرخانی هاش امروز انسوزد و برو  
حکمت هادی که این خوش اخلاقی خوش اخلاقی سریع بوده، فرهنگچه های  
از ارمغانها نهان بوده باش ساریان امور، آن شتاب است در این دلیل اما  
آن حرب هزار بیانی هی که کردند و بجه معنی موبدت بروایی ها و نفسی  
نمی پرسند! «ما» دیگر سدم خواه دره دارها زمان مرکبند که فدا خلق  
به مادریک در تیرشود می خوردند! با تعجب من می خواهد این دو ده  
ذره های حسر که موسیمی سر و قل کردند و مانعه اندوزه سریعاً دوسلان  
رسانند! ای ای! بجه! حسرن دره بیوژن طلبیان و صالح گویند! «سیک  
همین و زاده امور موسیمه های یاد نهاده! اس، راه را خودم، سا  
شات، ساریان خواه لیش نشوده! و امروز شرمند خود  
ما، ساریان خدمت، چی می سواید امراء! می سام سرمه شرمند خوده  
که می خواهد خفرنخ اس کشیده و عویش کند ساریار کشم غلاماً در  
پیشگاه جنس کارگری و کوششمنش چشم گش، آن نکند عذری نعمجع  
شی امر را خوشنده، ساید پیشتر دی روی روابط ریای انتظاری  
انتباشه خوش را بیدرنده، غلی و موقعیت را که این ائمه ای  
را شاهد است حل و خدمت و میمی کند، و می ایله و می خواهی رفع این  
انتباشه را توضیح و را ثدیده، این ایام انتباشه از خود عالمی  
است که حسین کوششمنشی شاکون هی دیگر مورد، در سراسر این  
سر برپا شون، ساریاد و ایچ شرمنده و ختمی کشیده است، و نهان